

امکان‌سنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی اسلام

مهدی خطیبی*

استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

m.khatibi@iki.ac.ir

چکیده

یکی از مسائل بنیادی شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی حل مسائل روش‌شناختی آن است. تحقیق حاضر با هدف کمک به حرکت علمی شکل‌گرفته در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی به‌دنبال امکان‌سنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی است. نتایج تحقیق که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده است، نشان می‌دهد امکان استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی وجود دارد و اگر پژوهشگر به اجتهاد مصطلح حوزوی مسلط بوده و در یکی از رشته‌های علوم انسانی تخصص داشته باشد، می‌تواند با حفظ اصول و مبانی روش فقه جواهری گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی را از احکام تشریحی استنباط کند. اساس این استنباط مبتنی بر حدس است و با تجمیع قرائن و ترک مظنون درجه اطمینان به مفاد حدس ارتقا می‌یابد. در پایان نیز چند نمونه از گزاره‌های استنباط‌شده با روش مزبور ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، احکام تشریحی، استنباط، گزاره‌های توصیفی، گزاره‌های هنجاری، اسلامی‌سازی علوم.

بیان مسئله

علوم انسانی در تعریفی ساده عبارت است از علمی که با فکر و اندیشه انسان سر و کار دارد؛ یعنی متعلق این علوم با فکر و اندیشه انسان مرتبط است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۷۷). در تعریف دیگری گفته شده علوم انسانی رفتاری و اجتماعی تحقق یافته مجموعه گزاره‌های نظام‌مندی است که با بهره‌گیری از روش‌های تجربی و غیرتجربی و مبانی فلسفی و مکتبی به تبیین یا تفسیر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تحقق یافته پرداخته است (خسروپناه، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

یکی از مباحث دامنه‌دار در بررسی درجه دوم علوم انسانی پذیرفتن یا نپذیرفتن گزاره‌های هنجاری به منزله بخشی از علم است. برخی اندیشمندان غربی علوم انسانی را مانند علوم طبیعی تهی از هرگونه گزاره هنجاری می‌دانند و معتقدند علوم انسانی مانند علوم طبیعی تنها به توصیف واقعیت‌های موجود درباره انسان می‌پردازد و هرگونه قضاوت در مورد خوبی یا بدی در این باره خارج از ماهیت دانشی آن است. این موضوع هم در میان فلاسفه مطرح بوده و هم در فلسفه اخلاق درباره آن بحث شده است. لایه‌هایی از آن نیز در کلام اسلامی و اصول فقه مشاهده می‌شود؛ آنجا که عدلیه برخلاف اشاعره از حسن و قبح عقلی سخن می‌گویند و اصولی‌ها نیز به تبع آن از مصالح و مفاسد به منزله حیثیت تعلیلی احکام تشریحی بحث می‌کنند.

حق مطلب آن است که علوم انسانی هم جنبه توصیفی دارند و هم جنبه توصیه‌ای و این‌گونه نیست که صرف توصیف باشند؛ حتی آن‌ها که در علوم انسانی رویکرد اثبات‌گرایی دارند، در کنار توصیف و نظریه‌پردازی، توصیه‌هایی نیز ارائه می‌کنند؛ برای مثال پوپر با گرایش نئوپوزیتیستی در کتاب جامعه باز و دشمنان آن هم به توصیف انسان در جامعه باز و نقد جامعه بسته پرداخته است و هم در مقابل جامعه بسته توصیه‌هایی دارد. همچنین نظریه‌های انقلاب در علوم سیاسی به توصیف انقلاب‌های جهان مانند انقلاب ایران، چین، فرانسه و روسیه می‌پردازند و راهکارهای پیدایش انقلاب را توصیه می‌کنند (همان، ص ۱۶).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن لزوم اسلامی‌سازی علوم انسانی یا به تعبیر دقیق‌تر لزوم تدوین علوم انسانی اسلامی بحث‌ها درباره امکان، روش و شرایط آن محل گفت‌وگوی اندیشمندان حوزه و دانشگاه قرار گرفت. بسیاری از اندیشمندان مسلمان درباره مفهوم‌شناسی علم دینی اقدام به تألیف کتاب کردند و به نقض و ابرام دیدگاه مخالفان پرداختند. در تحقیق حاضر یک گام جلوتر رفته و به دنبال بررسی امکان، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی هستیم.

روشن است که منظور از احکام تشریحی همان است که دانش فقه عهده‌دار استنباط آن از ادله

اربعه است. رویکرد اصلی فقه جهت‌دهی به رفتار فردی و اجتماعی مکلفان در چارچوب شریعت به شمار می‌آید؛ بنابراین هم موضوع علوم انسانی رفتار انسان است و هم موضوع دانش فقه فعل مکلف. حال باید دید با وجود این قدر مشترک آیا می‌توان گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی را از احکام تشریحی اسلام استنباط کرد.

پیشینه پژوهش

تحقیقی که به صورت مستقیم امکان و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام تشریحی را بررسی کرده باشد، یافت نشد، اما تحقیقات مرتبطی در این زمینه وجود دارد که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. شهید صدر (۱۴۲۴) در کتاب اقتصادنا روشی را برای کشف نظریات اقتصادی از احکام شرعی بنا نهاده است. از نگاه او احکام شرعی به ظاهر متشتت و پراکنده، رو بنای شریعت هستند و بر نظریاتی استوارند که حکم زیربنا را دارند؛ بنابراین محققان و پژوهشگران باید به دنبال نظریه‌های زیربنایی باشند.
۲. خالد غفوری (۱۴۲۱) فقه‌النظریه از منظر شهید صدر را تبیین کرده و مسئله حجیت روش شهید صدر را اثبات کرده است. تحقیق مزبور می‌تواند در اثبات حجیت استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی استفاده شود.
۳. محسن جوادی (۱۳۷۵) در کتاب مسئله باید و هست درباره رابطه ارزش و واقع به صورت مستوفی بحث کرده است که می‌تواند برای اثبات امکان استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام شرعی مفید باشد.
۴. عبدالحسین خسروپناه (۱۳۹۴) در مقاله «علوم انسانی، چیستی، ساحت‌ها و فرایندهای تحول در آن» برخی از مبانی و پیش‌فرض‌های تحقیق حاضر را مطرح کرده است.

نزاع توصیفی و هنجاری (باید و هست)

جداکردن مقولات اخلاقی از تحلیل علمی از زمان کانتیون گزارش شد و به تدریج به علوم اجتماعی ورود کرد؛ برای مثال اولین باری که مقوله اثباتی و دستوری به طور جدی وارد اقتصاد شد، در زمان هیوم و سنیور بود. اوج مرحله اول نیز در زمان جان نویل کینز بود (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴). دیوید هیوم در رساله ماهیت انسان این قضیه را مطرح کرد که «باید» را نمی‌توان از «هست» استنتاج کرد. او معتقد بود گزاره‌های توصیفی تنها مبتنی بر واقع هستند و هرگز نمی‌توانند هنجارها،

گفتارهای اخلاقی یا دستور به انجام کاری را معین کنند. اصطلاح «گیوتین هیوم» نیز به همین قضیه اشاره دارد (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰). برخی صاحب‌نظران تفکیک بین هنجاری و توصیفی را در حد مرزی میان دو شاخه از یک علم قبول دارند، اما برخی دیگر مباحث هنجاری را اصولاً غیرعلمی تلقی می‌کنند (مک‌لاپ، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲).

تحقیق حاضر که به دنبال امکان‌سنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی است، آمیختگی «هست» و «باید» را مفروض گرفته و آن را در حوزه‌ای خاص یعنی احکام تشریحی بررسی کرده است.

صورت‌های متصور رابطه احکام تشریحی و گزاره‌های توصیفی و هنجاری

رابطه احکام تشریحی و گزاره‌های توصیفی به سه صورت تصور می‌شوند:

صورت اول: رابطه احکام تشریحی و گزاره‌های مبتنی بر مصالح و مفسد واقعی

بحث تبعیت احکام از مصالح و مفسد که در علم اصول مطرح شده، به نوعی مرتبط با بحث رابطه احکام تشریحی و گزاره‌های توصیفی است (بدری، ۱۴۲۸، ق، ص ۱۰۱). ادعا می‌شود مصالح و مفسدی وجود دارند که احکام تشریحی برای استیفای آن‌ها مصالح یا دفع آن مفسد جعل شده‌اند. آن مصالح و مفسد از جنس هست و نیست‌ها هستند و بین احکام تشریحی و آن‌ها ضرورت بالقیاس وجود دارد.

صورت دوم: رابطه احکام تشریحی و گزاره‌های مبتنی بر آثار واقعی تجربه‌شدنی و مترتب بر احکام شرعی

برخی احکام تشریحی آزمون‌پذیرند و با بررسی تجربی آن‌ها می‌توان به گزاره‌هایی توصیفی دست یافت که مترتب بر آن‌هاست؛ برای مثال روایاتی که استحباب یا حرمت خوردن برخی چیزها را بیان کرده‌اند، قابلیت آزمون تجربی دارند و می‌توان براساس نتایج حاصل از بررسی بالینی آن‌ها گزاره‌های توصیفی مربوط به این روایات را به دست آورد؛ برای مثال در روایات، خوردن نمک قبل و بعد از غذا توصیه شده است و بر همین اساس فقها آن را مستحب شمرده‌اند. پژوهشگر اسلامی نیز می‌تواند با بررسی تجربی این دستورالعمل طبی گزاره‌های توصیفی مرتبط با آن را به دست آورد. درباره روزه و تأثیر آن بر سلامتی نیز همین‌گونه است. حدیث «صُومُوا تَصِحُّوا» (مغربی، ۱۳۸۵، ق، ج ۱، ص ۳۴۲ راوندی، ۱۴۰۷، ق، ص ۷۶؛ احسانی، ۱۴۰۵، ق، ج ۱، ص ۲۶۸) در منابع روایی

وارد شده و گزاره‌ای تجویزی است. پژوهشگر اسلامی می‌تواند با انجام پژوهش بالینی گزاره‌های توصیفی جزئی‌تری درباره تأثیر روزه بر سلامتی به دست آورد (ابراهیمی و جهانی مقدم، ۱۳۷۹؛ صدر، سریلوکی و افشار، ۱۳۸۰).

همچنان‌که حرمت شرب خمر نیز به همین‌گونه تجربه‌پذیر است (بهمن‌پوری و نظری، ۱۳۹۷، ص ۶۱). درباره احکام اطعمه و اشربه که به تفصیل در کتب فقهی وارد شده نیز می‌توان به کمک تجربه و آزمون، گزاره‌های توصیفی فراوانی به دست آورد. احکام و آداب زناشویی و همچنین مسائل تربیتی خانواده و فرزندان نیز قابلیت آزمون دارند و تجربه‌پذیر هستند. در این میان پژوهشگر اسلامی می‌تواند با بررسی میدانی و بالینی، گزاره‌های توصیفی مترتب بر این سنخ از احکام تشریحی را به دست بیاورد.

صورت سوم: رابطه احکام تشریحی و گزاره‌های علوم انسانی مبتنی بر دلالت التزامی احکام تشریحی

صورت سوم از رابطه احکام تشریحی و گزاره‌های توصیفی مبتنی بر دلالت التزامی احکام تشریحی بر گزاره‌های توصیفی است. چنانچه این سنخ از رابطه کشف شود، از سنخ استنباط و مربوط به دلالت ادله است. موضوع اصلی تحقیق حاضر امکان‌سنجی کشف این سنخ از رابطه میان احکام تشریحی، گزاره‌های توصیفی و سپس روش‌شناسی آن است. در ادامه امکان استنباط چنین گزاره‌هایی را از احکام تشریحی بیان کرده‌ایم.

امکان‌سنجی استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی

مرور اجمالی آموزه‌های اسلام نشان می‌دهد نقش این دین در مدیریت زندگی بشر، ایجابی است نه سلبی؛ یعنی دین اسلام برای زندگی بشر برنامه دارد و این‌گونه نیست که برنامه‌ریزی را صد درصد به او واگذار کرده و خود تنها به بیان محدودیت‌ها اکتفا کرده باشد (صدر، ۱۴۲۱ ق، ص ۳۲).

دین اسلام به برنامه‌ریزی کلی برای اداره حیات فردی و اجتماعی انسان همت گمارده است و در این میان، شارع مقدس در این زمینه چارچوب کلی را طراحی کرده است. نقش انسان در طرح و برنامه‌ریزی نیز به صورت موجبه جزئی در محدوده‌های خاصی است؛ یعنی نقش دین در اداره جامعه، نقشی ایجابی است؛ از همین‌رو در عرصه اقتصاد نیز که یکی از جلوه‌های مهم حیات اجتماعی بشر است، دین وارد عرصه شده و برنامه‌ریزی کرده است. از جمله شواهد این ادعا، وجود انبوهی از معارف قرآنی و حدیثی در ابواب مختلف زندگی دنیوی بشر و روش پیامبر (ص)

و امیرالمؤمنین (ع) در ساختارسازی و اداره جامعه براساس آن ساختارهاست. درست بر همین اساس شهید صدر کتاب الاسلام يقود الحياه را تدوین کرد و کوشید تا فراخور نیازهای فرهنگی و فکری جامعه اسلامی و در سایه حاکمیت اسلام، پاسخی درخور به این نیازها ارائه دهد. ایشان در این مباحث که شامل شش رساله است، اجمالی از مسائل مهم را که امت اسلامی پس از پیروزی انقلاب و به دست گرفتن حکومت با آن روبه‌رو بوده، بیان کرده است.

حاصل آنکه شارع مقدس دین را تنها برای تحصیل سعادت اخروی نفرستاده و تنظیم زندگی مادی بشر را نیز مدنظر داشته است؛ از همین رو اگر کسی ادعا کند دین اسلام به مسائل علوم انسانی که بیشتر ناظر به حیات مادی انسانی است، عنایت داشته، سخن بی‌جایی نگفته است، اما مشکل عمده، کشف دیدگاه‌های صاحب شریعت در عرصه‌های گوناگون علوم انسانی است؛ زیرا مسائل علوم انسانی و به‌ویژه نظریه‌ها به صراحت بیان نشده و بیشتر احکام شرعی مرتبط با رفتار فردی و اجتماعی مکلفان بیان شده‌اند. شاید این رویکرد بدان دلیل بوده که مخاطبان، بیشتر نیازمند آگاهی از قوانین و چارچوب‌های مرتبط با رفتار و عمل خود بوده‌اند و تمایل چندانی به دانستن نظریات پشتیبان احکام نداشتند، اما این دلیل نمی‌شود که احکام شرعی نظریه پشتیبان نداشته باشند. به اعتقاد شهید صدر احکام تشریحی که در لسان پیامبر و ائمه اطهار بیان می‌شده‌اند، روبرنای شریعت هستند و زیربنای آن‌ها نظریاتی است که معمولاً تصریح نشده‌اند (صدر، ۱۴۲۴، ص ۴۶۳).

به اعتقاد شهید صدر احکام به‌ظاهر متشتمت و پراکنده روبرنای شریعت هستند و نظریات پشتیبان که همچون تار و پود احکام شرعی را به هم پیوند می‌دهند و باعث می‌شوند وحدت و انسجامی بین آن‌ها برقرار شود، زیربنای شریعت هستند. اگرچه در ظاهر به این نظریات تصریح نشده، این امکان وجود دارد که با طراحی روشی معتبر بتوان نظریات مزبور را کشف کرد. به اعتقاد شهید صدر پیامبر اسلام (ص) این نظریات پشتیبان را در خلال تطبیق بر احکام و حقوق بیان می‌فرمود و وضعیت و قراین حالیه و مقالیه به‌گونه‌ای بود که مخاطبان به‌صورت اجمالی و ارتکازی مفاد آن را درک می‌کردند (صدر، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۰)؛ البته دوری ما از شرایط حالی و مقالی زمان صدور، درک نظریه را برای ما مشکل کرده است. وی در ادامه، مثال جالبی بیان می‌کند که برای فهم مطلب، بسیار راهگشاست. او می‌گوید: انسان‌ها از کودکی بدون آنکه ابتدا قواعد زبان را بیاموزند، سخن گفتن را می‌آموزند. آن‌ها به‌تفصیل از آن قواعد اطلاعی ندارند، اما در عمل به‌صورت ارتکازی آن را به کار می‌برند؛ بنابراین هر کودکی که سخن گفتن را آموخته باشد، به‌صورت اجمالی و ارتکازی به قواعد دستوری زبان نیز آگاهی دارد؛ اگرچه این قواعد به‌صراحت

به هیچ کودکی آموزش داده نمی‌شود (همان)؛ بر همین اساس می‌توان ادعا کرد در صورت تحلیل احکام تشریحی و دستیابی به نظریات پشتیبان آن‌ها می‌توان گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی را استنباط کرد.

شرایط لازم برای استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی

۱. اجتهاد مصطلح حوزوی (تسلط بر روش فقه جواهری)

تسلط بر دانش فقه و اصول نخستین شرط موفقیت در استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی است. پژوهشگر باید مجتهد باشد؛ البته اجتهاد متجزی در ابوابی که مرتبط با یکی از رشته‌های علوم انسانی است، کفایت می‌کند؛ برای مثال پژوهشگری که به دنبال استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری دانش اقتصاد از احکام تشریحی است، باید در ابواب معاملات بالمعنی الاخص مجتهد باشد.

لزوم احراز مرتبه اجتهاد برای استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری بدان دلیل است که در هر استنباطی از منابع دینی یک انتساب به شارع مقدس وجود دارد؛ بنابراین کسی که حائز مرتبه اجتهاد نیست، حق استنباط از منابع دینی را در هیچ زمینه‌ای ندارد؛ چه استنباط حکم شرعی باشد و چه استنباط گزاره توصیفی و هنجاری علوم انسانی. همچنین درک لطایف و ظرایف قرآنی و روایی نیازمند پیش‌نیازهایی مانند اصول، رجال، ادبیات عرب، معانی و بیان، منطق، تفسیر و کلام است (خطیبی، ۱۳۹۶، ص ۸). تحصیل این پیش‌نیازها، مقدمات اجتهاد هستند و با دستیابی به آن‌ها شخص حائز رتبه اجتهاد خواهد بود. دلیل اکتفا به درجه اجتهاد متجزی برای استنباط گزاره‌های علوم انسانی آن است که هر طالب علمی ممکن است ابتدا در برخی ابواب به ملکه اجتهاد دست یابد و سپس آن را به سایر ابواب تسری دهد. براساس مبانی دانش اصول مجتهد متجزی در ابوابی که تبحر کسب کرده، مجاز به استنباط حکم شرعی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۴۶۷)؛ بنابراین صلاحیت لازم برای استنباط گزاره‌های علوم انسانی مربوط را دارد.

۲. تخصص در یکی از رشته‌های علوم انسانی

نگاه تخصصی به احکام فقهی با نگاه عامیانه کاملاً متفاوت است. فرد غیرمتخصص تنها ظاهر احکام تشریحی را می‌بیند، اما متخصص می‌تواند با لایه‌های پنهان حکمی که مرتبط با رشته تخصصی‌اش است، ارتباط بگیرد. نگاه یک پزشک یا اقتصاددان به یک حکم شرعی مرتبط با حوزه سلامت یا حوزه اقتصاد با نگاه غیرپزشک و غیراقتصاددان متفاوت است؛ بنابراین نباید انتظار

داشت غیر متخصص در یکی از رشته‌های علوم انسانی توان استنباط گزاره‌های توصیفی آن رشته را از احکام شرعی داشته باشد. امام خمینی در بحث حیل ربا و اینکه چرا حيله‌ها نمی‌توانند محلل ربا باشند، به نگاه متخصصان و درک آن‌ها از لایه‌های پنهان حرمت ربا اشاره کرده و می‌گوید:

«با این سطح از مخالفت که در قرآن و سنت با ربا شده به‌گونه‌ای که کمتر با سایر معاصی در چنین سطحی مخالفتی شده و با وجود مفاسد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ربا که اقتصاددانان بدان اذعان کرده‌اند، چگونه ممکن است با حيله‌های شرعی حلال شود؟ این ابهامی است که در ذهن بسیاری از اندیشمندان وجود دارد و اشکالی است که غیر مسلمانان بر این حکم وارد می‌کنند» (خمینی، بی تا (ب)، ج ۲، ص ۵۴۰).

در مقابل، نگاه غیر تخصصی به مسئله ربای قرضی می‌تواند حرمت آن را حتی تا سطح تبعیدی بالا ببرد (خدادادی، بی تا، الف، ج ۱، ص ۲۵۲). این نگاه به حرمت ربا و تبعیدی دانستن آن اگر در ربای معاملی پذیرفته شود، در مورد ربای قرضی به هیچ وجه مقبول متخصصان نیست (خطیبی، ۱۳۹۹، ص ۴۵).

روش استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام شرعی و مراحل آن
روش استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام شرعی مبتنی بر حدس است. وقتی پژوهشگر با داشتن تخصص در فقه و یکی از رشته‌های علوم انسانی احکام شرعی را بررسی می‌کند، ممکن است درباره یک یا چند حکم شرعی، گزاره‌ای توصیفی را که مربوط به علوم انسانی است، حدس بزند. حدسیات یکی از مبادی قیاس است و عبارت است از حرکت بلاواسطه عقل از معلوم به مجهول.

«حدس» به معنای فنی آن در حکمت، در مقابل فکر قرار دارد و به این معناست که ذهن بدون تأمل و سیر و حرکت در میان معلومات، بلافاصله و به محض طرح مشکل، پاسخ آن را بیابد؛ یعنی اگر در مقام کشف معرف است، بدون درنگ و تأمل به اجزای آن منتقل شود و اگر در مقام کشف دلیل است، بلافاصله به حد وسط استدلال برسد. حدس به این معنا با حدسی که در السنه عوام به کار می‌رود و به معنای گمان و احتمال و پندار بوده، متفاوت است. در مقابل فکر به صورت تدریجی شکل می‌گیرد؛ توضیح آنکه هنگام حل یک مشکل علمی، ما پنج مرحله را پشت سر می‌گذاریم: مواجهه با مشکل، شناخت و تشخیص نوع مشکل، حرکت ذهنی از مشکل به سمت معلومات، حرکت در میان معلومات و حرکت از معلومات به سمت مجهول و حل آن. دو مرحله نخست برای یک کار فکری، از مقدمات آن محسوب می‌شوند و خود، فکر نیستند، اما سه حرکت بعدی

در مجموع «فکر» نامیده می‌شوند و فرایند «تفکر» همین سه مرحله است. فرق دیگر حدس با فکر این است که فکر گاهی در راه دستیابی به مطلوب به خطا می‌رود، اما حدس همواره صائب است و به خطا نمی‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۶۴).

حدسیات قضایایی هستند که مبدأ حکم حدس نفسانی محسوب می‌شوند؛ یعنی مجهول به‌طور ناگهانی برای شخص معلوم شده و به حکم و علت حکم توأمأً جزم حاصل می‌شود. حدس مانند تجربه محتاج به احساس قبلی است، اما گاهی پس از یک احساس حاصل می‌شود؛ مثل آنکه از مشاهده سقوط جسم معینی به‌طور حدسی به وجود قوه جاذبه پی برده و علم حاصل کرده‌اند. گاهی حدس دنباله چندین احساس مکرر به وجود می‌آید؛ مثل آنکه ماه در شب‌های متوالی با شکل‌های مختلف دیده شده و از مشاهدات مختلف و مکرر به حدس قوی علم حاصل می‌شود که دلیل اختلاف شکل اختلاف وضع ماه به زمین و خورشید است و نور ماه از آفتاب کسب شده است (صدرالمثلهین شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۵۸۷).

همان‌گونه که اشاره شد، استنباط گزاره‌های عام علوم انسانی از احکام تشریحی مبتنی بر حدس است و پژوهشگر با تسلط بر فقه و رشته‌ای خاص از علوم انسانی می‌تواند حدس صائبی داشته باشد، اما در عین حال مراحل برای آن تصور می‌شود و طی این مراحل می‌تواند قوت استنباط حدسی را افزایش دهد. گفتنی است پیمودن این مراحل در همه موارد به‌صورت تفصیلی لازم نیست، بلکه پژوهشگر باید تلاش کند از مفاد حدسی که زده است، با تجمیع قرائن و تراکم ظنون اطمینان کسب کند.

مرحله نخست طرح مسئله است. مسئله ممکن است با مشاهدات بیرونی در ذهن پژوهشگر شکل بگیرد؛ برای مثال وقتی تعداد فقرا و مقدار اقلام تسعه در زکات را مقایسه می‌کند، این پرسش به ذهنش خطور می‌کند که آیا اقلام تعیین شده حکمی ثابت هستند یا به اقتضای شرایط اقتصادی تغییر می‌کنند. همچنین مطالعه هدفمند آموزه‌های اسلام در یک حوزه تخصصی علوم انسانی می‌تواند به تدریج مسئله‌ای در ذهن پژوهشگر پدید آورد و با پیگیری آن به استنباط گزاره توصیفی یا هنجاری علوم انسانی نائل شود. روش دیگر مسئله‌سازی مطالعه آثار دانشمندان غربی است؛ برای مثال در غرب درباره اینکه منابع طبیعی محدودیت دارد و انسان‌ها بالاخره بر سر دستیابی به منابع حیاتی به نزاع خواهند برخاست، بحث‌های زیادی مطرح شده است؛ از این رو او با مراجعه به منابع اسلامی از جمله احکام تشریحی می‌کوشد گزاره توصیفی مرتبط با این مسئله را استخراج کند. پس از طرح مسئله که همان پرسش اصلی است، پژوهشگر باید پرسش‌های فرعی متعددی را مطرح کند تا حواشی مسئله را بیشتر بشناسد؛ برای نمونه در مسئله زکات نقدین این پرسش‌ها می‌تواند در روشن شدن مسیر تحقیق به کار آید:

الف) مالیات‌های شرعی اعم از خمس و زکات از سنخ مالیات بر دارایی هستند یا مالیات بر ثروت یا مالیات سرانه؟

ب) آیا محل مصرف مالیات‌های شرعی می‌تواند تعیین‌کننده ملاک وجوب آن‌ها باشد؟
 ج) آیا لازم است در تمامی اقلام تسعه ملاک واحدی برای وجوب زکات در نظر گرفته شود؟
 د) وجوب زکات بر قرض‌گیرنده درهم و دینار در صورت تحقق شرایط می‌تواند نشان‌دهنده ملاک مجزا برای وجوب زکات درهم و دینار باشد؟
 ه) رکود اقتصادی با معطل‌گذاشتن پول (کنز) چه ارتباطی دارد؟

مرحله بعد موضوع‌شناسی عمیق است. در این مرحله، تخصص پژوهشگر در رشته مرتبط با مسئله عمیقاً اثرگذار است. درک یک پدیده اجتماعی که زیرمجموعه علوم اجتماعی است، هم با نگاه عامیانه امکان‌پذیر است و هم با نگاه تخصصی، اما گاهی نتایج نگاه تخصصی بسیار متفاوت از نگاه عامیانه است؛ برای مثال در موارد زیر برداشت عرفی و متخصصان به صورت قابل توجهی با هم متفاوت هستند: تورم،^۱ پول،^۲ مرگ،^۳ مالیات،^۴ کاهش ارزش پول،^۵ بازی‌گوشی کودکان،^۶ ماهی فلس‌دار^۷ و تراجنسیتی،^۸ با برداشت متخصصان از آن‌ها یکسان نیست. گاهی ممکن است

۱. به لحاظ ریاضی سطح عمومی قیمت‌ها و دستمزد همگن از درجه صفر هستند؛ یعنی اگر هر دو به یک نسبت تغییر کنند، علی‌القاعده نباید عرضه نیروی کار اضافه شود؛ با این حال طبق دیدگاه عمومی کینزی با افزایش هم‌زمان قیمت‌ها و به همان اندازه دستمزدها عرضه نیروی کار اضافه می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد افراد غیرمتخصص درک درستی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ندارند (رحمانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۷).

۲. از نظر عرف پول یعنی اسکناس و مسکوک در حالی که از نظر متخصصان پول مراتب مختلفی دارد و براساس قدرت نقدشوندگی رتبه‌بندی می‌شود. اسکناس و مسکوک و حساب جاری دارای نقدشوندگی صددرصد هستند و حساب پس‌انداز و حساب سرمایه‌گذاری در مراتب بعدی قرار دارند. از نظر متخصصان پول و بانکداری کالاهای بادوام نیز در مراتب بعدی پول قرار می‌گیرند.

۳. از نظر پزشکان متخصص مرگ و حیات آدمی به مرگ و حیات مغز وابسته است؛ بنابراین کسانی که دچار مرگ مغزی شده‌اند، ولی قلبشان کار می‌کند و حیات نباتی دارند، از نگاه متخصصان مرده‌اند؛ در حالی که از نظر عرف حیات آدمی به تپش قلب است و مادامی که قلب می‌تپد شخص را زنده می‌پندارند (خدادادی، بی‌تا، ص ۱۴۹).

۴. از نگاه بخش قابل توجهی از مردم مالیات هزینه‌ای است که دولت به دلیل قوه قاهره‌ای که دارد از مردم دریافت می‌کند؛ در حالی که از نظر کارشناسان و متخصصان مالیات عادلانه هزینه‌ای است که دولت در قبال خدمات عمومی مانند امنیت از مردم دریافت می‌کند.

۵. از نظر عرف کاهش ارزش پول اگر فاحش باشد، موجب حساسیت طلبکار می‌شود، اما از نظر متخصصان کمترین تغییر در ارزش پول در روابط اقتصادی بین افراد اثرگذار است و لحاظ می‌شود.

۶. بسیاری از مردم عدم تمرکز کودکان را ناشی از بازی‌گوشی می‌دانند؛ در حالی که متخصصان عوامل مختلفی را برای آن بر می‌شمرند از جمله بیش‌فعالی که اختلالی در یادگیری شمرده می‌شود و نوعی بیماری است.

۷. ماهی‌هایی وجود دارد که بسیاری از مردم آن‌ها را بدون فلس می‌پندارند، ولی متخصصان شیلات آن‌ها را جزء ماهی‌های فلس‌دار می‌دانند؛ مانند برخی از کوسه‌ماهی‌ها و ماهی اوزون‌برون.

۸. بسیاری گمان می‌کنند افراد ترنس (تراجنسیتی‌ها) جنس سوم هستند؛ درحالی‌که از نگاه متخصصان آن‌ها نیز یا مرد یا زن هستند و تنها تمایلات روحی آن‌هاست که ممکن است شبیه مردان یا زنان باشد و با تغییر ظاهر بدن خود را شبیه زنان یا مردان می‌کنند.

در برخی موارد نگاه عرفی موضوع حکم فقهی باشد نه نگاه متخصصان، ولی به هر حال این امر کلیت ندارد و در مواردی عکس قضیه حاکم است؛^۱ البته فقها برای استنباط حکم شرعی موضوعات مستحدثه گاهی به متخصصان رجوع می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند موضوع را تبیین کنند، اما این روش برای استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشریحی کارایی ندارد. پژوهشگر باید در رشته مربوطه متخصص و صاحب‌نظر باشد تا بتواند گام‌های مؤثری در استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشریحی بردارد. فقیه با اکتفا به اظهارنظر متخصصان توفیق‌چندانی در استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی در رشته‌های تخصصی به دست نمی‌آورد.

توجه به مبانی اسلامی در استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی بسیار مهم است. در بسیاری از موارد منشأ اختلاف علوم انسانی - اسلامی و علوم انسانی رایج به مبانی هر یک برمی‌گردد. مبانی، بنیادهای فکری و پایه‌ای هستند که اصول، قواعد و مسائل هر مکتب و نظامی براساس آن‌ها شکل می‌گیرند. مبانی در استنباط گزاره‌های توصیفی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. پژوهشگر اسلامی در مقام استنباط گزاره‌های توصیفی از احکام تشریحی نباید از نقش مبانی اسلامی غافل باشد. فارغ از اینکه پژوهشگر، متخصص چه رشته‌ای است، مبانی فلسفی استنباط گزاره‌های توصیفی که عبارت‌اند از مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی الهیاتی، مبانی انسان‌شناختی و مبانی ارزش‌شناختی، نقشی کلیدی در استنباط گزاره‌های توصیفی دارند.

نمونه‌هایی از استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی الف) کنز پول سبب رکود اقتصادی است

حکم شرعی

براساس فتوای قاطبه فقها زکات نقدین واجب است. نصاب آن در طلا ۲۰ دینار شرعی یعنی معادل ۱۵ دینار صیرفی است و مقدار زکات ۱۰ قیراط معادل نصف دینار شرعی یا سه هشتم دینار صیرفی است. نصاب بعدی ۲۴ دینار است که دو قیراط به ازای چهار دینار به مقدار زکات اضافه می‌شود.

۱. مثلاً اگر عرف کسی را مرده پندارد، اما متخصصان معتقد به حیات او باشند، حکم به حیات او می‌شود (خدادادی، بی‌تا، ص، ۱۴۹).

نصاب نقره «دویست درهم است» و (زکات) در آن پنج درهم است و بعد از آن هرگاه «چهل درهم» اضافه شود، در آن یک درهم (زکات) است تا هر مبلغی که برسد و در کمتر از دویست درهم چیزی (به عنوان زکات) نیست و همچنین است در کمتر از چهل درهم بعد از نصاب اول.

استنباط گزاره توصیفی

۱. زکات نقدین از سنخ مالیات بر درآمد یا ثروت نیست، بلکه جریمه‌ای است بر نگهداری پول و برای جلوگیری از رکود جعل شده است؛ چون حتی اگر کسی درهم و دینار را قرض بگیرد و یک سال نگه دارد (کنز کند) زکات بر قرض گیرنده واجب است نه قرض دهنده؛ بنابراین می‌توان گفت «کنز پول سبب رکود اقتصادی» است و به همین دلیل شارع مقدس زکات نقدین را واجب کرده است.

۲. این استنباط تنقیح مناط را ساده خواهد کرد و می‌توان به کمک آن تکلیف زکات اسکناس را روشن کرد و گفت پرداخت زکات اختصاصی به درهم و دینار ندارد و کنز هر پولی که سبب رکود اقتصادی شود، زکات دارد.

۳. حتی می‌توان گفت بر همین اساس زکات نقدین مانع تحقق دام نقدینگی در اقتصاد اسلامی است.

۴. از آنجا که امروزه تقاضای پول (نگهداری و کنز پول) بسیار ناچیز است و بیشتر افراد پولشان در بانک در قالب سپرده جاری یا پس انداز است، موضوع جریم نیز منتفی است و تعمیم زکات نقدین به اسکناس بدون مناط است.

ب) بازار پول بازاری غیرمستقل و فرع بر بازار کالا و خدمات است حکم شرعی

براساس فتوای فقها ربا حرام است، اما در عین حال فروش نسیه به قیمتی بیش از قیمت نقدی جایز است. بیع دین نیز جایز است. حیل‌های ربا نیز فی الجمله تجویز شده است.

استنباط گزاره توصیفی

۱. در غرب بازار پولی و بازار مالی دو بازار جدای از هم هستند و به وسیله بهره به هم مرتبط می‌شوند. در اسلام بازار پول یک بازار مستقل نیست، بلکه حاشیه بازار کالا و خدمات است؛ به عبارت دیگر دلالت التزامی «حرمت ربا»، «تجویز حیل‌های ربا» و تجویز «گران بودن

بیع نسبیه نسبت به بیع نقدی» (للاجل قسط من الثمن) و «بیع دین» نشان می‌دهد شارع درصدد بوده است بخش پولی اقتصاد را به حاشیه برد و پول تنها کنار بخش واقعی اقتصاد و فرع بر آن نقش آفرینی کند.

۲. حرمت ربا به دلیل تبعات اقتصادی نامطلوب آن است و تنها مسئله‌ای حقوقی نیست تا بتوان با تغییر الفاظ و شکل ظاهری آن را دور زد.

ج) قیمت‌ها تابع عرضه و تقاضا هستند حکم شرعی

۱. اصل اولی آن است که حاکم اسلامی نمی‌تواند برای کالاهای در معرض فروش قیمت تعیین کند (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ۲، ص ۱۹۵). در روایت نیز چنین آمده است: به پیامبر گفته شد کاش تعیین قیمت کنید، قیمت‌ها بالا و پایین می‌شود. حضرت فرمود: خدا را ملاقات نخواهم کرد با بدعتی که چیزی راجع به آن به من نفرموده است. بندگان خدا را رها کنید تا برخی از برخی دیگر روزی بخورند (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۲۶۸).

۲. ممنوعیت احتکار در شش قلم کالا (گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و زیتون) حرام است، اما جمع کردن مطلق آنچه مردم به آن نیاز دارند، امری نامطلوب است. در غیر آن شش مورد که ذکر شد، احکام احتکار ثابت نیست و باید شخص محترک به فروختن اجبار شود و بنا بر احتیاط قیمت برای او تعیین نشود، بلکه حق دارد به هر قیمت که می‌خواهد بفروشد؛ مگر آنکه اجحاف کند؛ پس او را مجبور می‌کنند که قیمت را پایین بیاورد - بدون آنکه برایش تعیین قیمت کنند - و اگر او تعیین قیمت نکرد، حاکم شرع قیمتی را که مصلحت می‌بیند، معین می‌کند (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۱، مسئله ۲۳).

۳. در تعیین قیمت کالا برای فروش اختیار داشتن فروشنده است؛ مگر آنکه حاکم اسلامی مقرراتی وضع کرده باشد (خمینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۶۲، سؤال ۱۷۲).

استنباط گزاره توصیفی

در مورد اینکه قیمت‌گذاری بر عهده کیست، اقتصاددانان کلاسیک معتقدند بازار باید تعیین‌کننده قیمت باشد. دست نامرئی که آدام اسمیت از آن سخن می‌گفت، درحقیقت همان بازار است که در آن با شکل‌گیری دو طرف عرضه و تقاضا قیمت‌ها تعیین می‌شود. از احکام شرعی مورد اشاره می‌توان حدس زد در اسلام نیز تعیین قیمت کالا به بازار و عرضه و تقاضا سپرده شده است و در

مواردی مانند احتکار نیز تعیین قیمت با همان شرایط و مراتب که اشاره شد، حکمی خلاف اصل است که شارع به جهت ضرورت تجویز کرده است.

د) انواع مالیات در اسلام عبارت‌اند از: مالیات بر درآمد خالص، مالیات بر پس‌انداز، مالیات سرانه، مالیات بهره‌برداری از امکانات طبیعی، مالیات جریمه‌ای و مالیات صلحی

حکم شرعی

۱. زکات غلات اربعه واجب است.
۲. خمس معدن، گنج، غنیمت، چیزی که با غواصی از دریا بیرون می‌آورند و همچنین خمس ارباح مکاسب بعد از کسر مؤونه فرارسیدن سال خمسی واجب است.
۳. در روز عید فطر بر هر مکلفی واجب است زکات فطره خود و خانواده خود را براساس شرایطی که در رساله‌ها آمده است، پرداخت کند.
۴. زکات غلات اربعه که با آب جاری و باران آبیاری می‌شوند، واجب است.
۵. مصرف چیزی که خارج از سطح نیازهای متعارف باشد، مصداق اسراف بوده و پرداخت خمس آن واجب است.

استنباط گزاره‌های توصیفی

- انواع پرداخت‌های واجب مالی از جهت مبنای مالیاتی به‌صورت زیر متصور می‌شود:
۱. مالیات بر درآمد خالص (زکات غلات اربعه که با آب چاه آبیاری شده‌اند).
 ۲. مالیات بر پس‌انداز (خمس مازاد بر مؤونه ارباح مکاسب)
 ۳. مالیات سرانه (زکات فطره، جزیه)
 ۴. مالیات بهره‌برداری از امکانات طبیعی (زکات غلات اربعه آبیاری شده با آب جاری و باران، خمس معدن، آنچه با غواصی به دست آمده، گنج، غنیمت، زکات انعام ثلاثه)
 ۵. مالیات بر مصرف (اگر فرد کالایی را مصرف کند که خارج از نیازهای واقعی او باشد، باید خمس آن کالا را بپردازد).
 ۶. مالیات صلحی (خمس مال حلال مخلوط به حرام)
 ۷. مالیات جریمه‌ای (زکات نقدین، خمس زمینی که ذمی از مسلمان می‌خرد، کفارات مالی افطار عمدی روزه، حنث نذر و عهد و قسم، کفاره قتل و بقیه کفارات مالی)

اعتبارسنجی (حجیت) روش استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشریحی

همان‌گونه که اشاره شد، استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریحی مبتنی بر حدس است. درباره اعتبار نتایج حاصل از چنین حدسی می‌توان از بحث‌های مربوط به اعتبارسنجی روش کشفی شهید صدر استفاده کرد. چه آنکه نتایج حاصل از این دوروش تقریباً مشابه هم هستند. مرحوم تسخیری معتقد بود روش کشفی، نیازمند حجیت به معنایی که در فقه گفته شده، نیست (تسخیری، ۱۳۸۲، ص ۱۹). از نظر وی، اقتصاد اسلامی به دنبال بیان وظیفه افراد در مقام عمل نیست تا بحث از حجیت لازم باشد؛ محقق اقتصاد اسلامی به دنبال کشف سیستم و نظام است و کشف سیستم متوقف بر حجیت نیست. همین مقدار که ثابت شود سیستم مکشوف در چارچوب اسلام است، کفایت می‌کند. با توجه به اینکه فتاوی استفاده‌شده در کشف سیستم از طریق اجتهاد صحیح استنباط شده‌اند و انسجام و هماهنگی دارند، ولی امر می‌تواند زیربنا را از آن‌ها کشف کرده، آن را به اسلام نسبت دهد. در مواردی که ولی امر از فتوای خودش برای کشف سیستم استفاده می‌کند، حجیت آن برای خود و مقلدانش محفوظ است و در مواردی که از فتوای سایر فقها استفاده می‌کند، به این دلیل که مصلحت جامعه را در عمل به این سیستم می‌بیند، با استفاده از حکم ولایی که حکمی ابداعی و ایجاد است و کاشفیتی ندارد، دستور مبنا قرارگرفتن سیستم به دست آمده را برای امور اجرایی صادر می‌کند؛ بنابراین قاعده‌ای که به عنوان زیربنا کشف می‌شود، نه برای مجتهد حجت است و نه برای ولی امر، اما ولی امر می‌تواند براساس مصلحت جامعه، آن را به منزله روش مطرح کند؛ از این رو باید بین حجیت و احکام ولایی فرق گذاشت (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۸)؛ بر همین اساس درباره گزاره‌های توصیفی و هنجاری استنباط‌شده از احکام تشریحی نیز می‌توان گفت نیازمند به اثبات حجیت نیست؛ چون مرتبط با عمل مکلفان نیست.

به نظر می‌رسد ادعای ایشان هم درباره روش کشفی و هم روش حدسی که برای استنباط گزاره‌های علوم انسانی ارائه شد، قابل التزام نباشد. اگرچه نتایج حاصل از این دوروش ربطی به عمل مکلفان ندارد، در آن، انتساب مطلبی به اسلام و دین وجود دارد و اگر اعتبار و حجیت روش استفاده‌شده در کشف یا استنباط اثبات نشود، نمی‌توان نتایج حاصل را به دین اسلام و شارع مقدس منتسب کرد؛ از این رو برخی محققان درصدد اثبات حجیت روش کشفی شهید صدر براساس مبانی مختلف برآمده‌اند. از آنجا که این مبانی را می‌توان بر روش حدسی اشاره‌شده تطبیق داد، در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. دلالت التزامی احکام بر گزاره‌های علوم انسانی

دلالت لفظی به سه بخش مطابقی، تضمینی و التزامی تقسیم می‌شود و از نظر عرف، هر سه بخش از حجیت برخوردارند. دلالت لفظ بر معنایی خارج از معنای موضوع له، دلالت التزامی نامیده می‌شود (رازی، ۱۳۸۴، ص ۸۲). شرط دلالت التزامی آن است که بین مدلول التزامی و مدلول مطابقی لفظ، لزوم ذهنی برقرار باشد (همان، ص ۸۹). گاهی لزوم ذهنی صریح و آشکار است و گاهی نیز از وضوح کمتری برخوردار بوده و نیاز به تبیین بیشتر و جمع قراین عیدیه دارد.

استفاده از مدلول التزامی برای استنباط احکام در فقه متعارف نیز به‌وفور مشاهده می‌شود. دلالت جمله شرطیه بر مفهوم، دلالت امر به شیء بر وجوب عقلی و شرعی مقدمه آن و کشف رأی معصوم از اجماع، همگی از این نوع دلالت هستند (صدر، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۶۴؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۰۸). تأویل قرآن نیز براساس یک دیدگاه، به کشف مدلول التزامی آیات الهی تفسیر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۸؛ غفوری، ۱۴۲۱، ق، صص ۱۵۵-۱۵۴).

نظریه اقتصاد اسلامی که از مجموعه احکام منسجم به دست می‌آید، درحقیقت مدلول التزامی آن مجموعه است؛ چراکه محقق اقتصاد اسلامی با تأمل در ادله شرعی، بررسی تحلیلی آن‌ها و با نگاه سیستمی، نظریه اقتصادی را کشف کرده است. این نظریات از سنخ مدلول مطابقی یا تضمینی نیستند، بلکه مدلول التزامی احکام گردآوری شده محسوب می‌شوند. مدلول التزامی نیز مانند مطابقی و تضمینی اعتبار دارد؛ البته کشف این دسته از مدلول‌های التزامی نیاز به تدبر و تأمل بیشتری دارد و اثبات آن‌ها نیز محتاج استدلال و تبیین و توضیح وافر است؛ زیرا گذشت زمان و دوری از عصر تشریح سبب خفای بیش از پیش آن‌ها شده و چه‌بسا برای معاصران تشریح، امری روشن و آشکار بوده است (صدر، ۱۴۲۱، ق، ب، ص ۴۱).

در استدلال به مذاق شرع برای اثبات حکم شرعی نیز به همین‌گونه عمل می‌شود؛ یعنی فقیه با بررسی مدلول التزامی دسته‌ای از احکام، به مذاق شرع دست می‌یابد و براساس آن، حکم خاصی را استنباط می‌کند (خویی، ۱۴۱۸، ق، ص ۲۲۶).

۲. ظهور مجموعی احکام در قالب گزاره‌های علوم انسانی

از جمله طرح‌های پیشنهادی برای اثبات حجیت نظریه به‌دست‌آمده از روش کشفی، طرح ظهور مجموعی است. توضیح آنکه حجیت ظهور در خطاب‌های شرعی، فی‌الجمله مورد پذیرش

اصولی‌هاست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۸۱). ظهور لفظی نیز دو نوع است: ظهور مقطعی و ظهور مجموعی. ظهور مقطعی، ظاهر عبارت متکلم است که در یک گفتار متصل بیان شده است، اما ظهور مجموعی، ظاهر مستفاد از یک مجموعه گفتار است که حتی شاید در مجال‌های متعددی ابراز شده باشد. بررسی آموزه‌های اسلام نشان می‌دهد شارع گاهی مقصود خود را طی چندین مرحله به مخاطبان القا و بدین ترتیب آمادگی لازم برای دریافت حکم نهایی را در آن‌ها ایجاد می‌کرده است (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۱، ص ۶۸۴۷؛ نجفی، بی‌تا، ص ۴۱). توجه به مراحل تحریم شرب خمر، مراحل تحریم ربا و همچنین وجوب تدریجی فروع دین طی نبوت نبی مکرم اسلام گواه این مدعاست؛ بنابراین ممکن است از مجموعه گفتار شارع مطالبی را استنباط کرد و به وی نسبت داد که ظاهر جمله یا عبارت خاصی نیست، اما در عین حال استنادشدنی به اوست. این نوع از ظهور نیز مانند قسم اول حجت است؛ به عبارت دیگر کلام هر متکلمی مشتمل بر دلالت تصویری و دلالت تصدیقی استعمالی و دلالت تصدیقی جدی است.

همان‌گونه که معمولاً خطاب‌ها به صورت انفرادی دلالت تصدیقی جدی بر مراد متکلم دارند، مجموع خطاب نیز می‌تواند دلالت تصدیقی جدی بر مراد متکلم داشته باشد و حتی شاید بتوان آن را - در عرض دلالت مطابقی، تضمینی و التزامی - دلالت چهارمی در کلام متکلم دانست (غفوری، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۵۴). مؤید این سخن، اعتقاد فقها و مفسران درباره کتاب و سنت است که آن‌ها را مجموعه‌ای متحد می‌دانند که بعضی، برخی دیگر را تفسیر می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۸؛ نجفی، بی‌تا، ص ۶۷؛ قمی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۵۰).

۳. حجیت گزاره‌های علوم انسانی بر مبنای انسداد باب علم

برخی معتقدند تنها راه تصحیح روش کشفی، تمسک به مقدمات دلیل انسداد درباره نظریات اقتصاد اسلامی است (یوسفی، ۱۳۸۴). به تصریح شهید صدر کشف نظریات اساسی با استفاده از نصوص و منابع استنباط به روش متعارف اجتهاد مشکل بوده و با بن‌بست مواجه می‌شود (صدر، ۱۴۲۴ ق، ص ۴۶۱). از سوی دیگر در عصر حاضر دستیابی به نظریات اساسی اسلام در عرصه‌های مختلف حیات بشری به ضرورت تبدیل شده است؛ چراکه حکومت اسلامی در سیاست‌گذاری‌های کلان و در پیش گرفتن روش‌های اجرایی که به اهداف عالی اسلام نزدیک‌تر باشد، نیازمند آگاهی از نظریات اقتصاد اسلامی است؛ بنابراین ولی فقیه با به‌کارگیری مطلق ظنون و از جمله استفاده از فتوای سایر فقها این نظریات را کشف می‌کند.

۴. اعتبار گزاره‌های علوم انسانی بر مبنای تراکم ظنون

گاهی ممکن است با تراکم ظنون ضعیف و تجمیع قرائن (که هر یک به تنهایی برای اثبات مدعا کافی نیستند، اما از مجموع آن‌ها علم یا اطمینان یا لافل ظن قوی شکل می‌گیرد) معرفت شکل گرفته از یک گزاره توصیفی استنباط شده از احکام تشریحی ارتقا یافته و به حد علم یا اطمینان یا ظن قوی برسد. چنین معرفتی می‌تواند حجت باشد. نگارنده قبلاً در مقاله‌ای تراکم ظنون را به بحث گذاشته است.

آسیب‌شناسی استنباط گزاره‌های علوم انسانی از احکام تشریحی

برخی از آسیب‌ها و خطراتی که متوجه استنباط گزاره‌های علوم انسانی از احکام تشریحی هستند، عبارت‌اند از:

الف) توجیه واقعیت بیرونی

گاهی پژوهشگر در صدد توجیه واقعیت موجود بیرونی است و به این منظور سعی می‌کند نصوص روایی و قرآن را توجیه کند؛ برای مثال به منظور توجیه بهره‌بانگی که معمولاً نرخ پایینی دارد، استدلال می‌کند قرآن ربایی را حرام کرده است که فاحش باشد، اما اگر نرخ آن کم باشد، حرام نیست؛ در حالی که اگر آیات دیگر مثل «فَلَكُمْ رُءُوسٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) را می‌خواند، می‌فهمید ربا مطلقاً حرام است و آیه مشتمل بر عبارت اضعافا مضاعفه در صدد بیان قید احترازی نیست، بلکه واقعیت و حقیقت ربا را نشان می‌دهد.

ب) گنجاندن نص در چارچوبی خاص

برای مثال ممکن است پژوهشگر مالکیت خصوصی را بدون قید و شرط معتبر بداند؛ در این صورت روایتی را که می‌گوید اگر مالک تا سه سال بدون دلیل زمین را معطل گذاشت، از وی سلب مالکیت می‌شود و زمین به دیگری واگذار می‌شود، کنار می‌گذارد؛ چون در چارچوب خاصی که او از پیش ساخته نمی‌گنجد.

ج) جداسازی دلیل شرعی از شرایط زمان صدور

مثلاً دلیلی که می‌گوید من احیی ارضا میتة فهی له مربوط به زمانی است که احیاء اراضی با دست انجام می‌شد، نه الان که با ماشین‌آلات کشاورزی می‌توان در طول یک روز صدها هکتار از اراضی موات را احیا کرد.

د) پیش داوری در برابر نص

مثلاً کسی که معتقد باشد تمامی اوامر و نواهی شرع دائمی است، گمان می‌کند روایتی که از فروش مازاد آب و رویدنی نهی کرده حکمی دائمی است؛ درحالی‌که این پیش‌داوری در برابر نص است.

ه) خطر قیاس و استحسان

از جمله خطرات پیش روی پژوهشگر در استنباط گزاره‌های توصیفی از احکام تشریحی افتادن در دامن قیاس و استحسان و بقیه ظنون نامعتبر است؛ از این رو پیشنهاد آن است به مبانی تراکم ظنون توجه شود تا با استفاده از آن نسبت به نتیجه استنباط اطمینان کافی کسب شود.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر اثبات شد شکل‌گیری علوم انسانی - اسلامی متوقف بر آن است تا محققانی تربیت شوند که هم در دانش فقه درجه اجتهاد را کسب کرده و هم در دانش اقتصاد مراتب عالی دانشگاهی را گذرانده باشند. چنین محققانی می‌توانند با بررسی احکام شرعی مربوط به حوزه اقتصاد و کشف ریشه‌های اقتصادی آن‌ها، گزاره‌های توصیفی و هنجاری همگن با علوم انسانی را استنباط کنند و زبان احکام شرعی را به زبان علوم انسانی - اسلامی تبدیل کنند. در ضمن مثال‌های که در متن مقاله خواندیم، اثبات شد که مدلول التزامی برخی از احکام شرعی دقیقاً می‌تواند در قالب گزاره‌های اقتصاد اسلامی ارائه شود. با به‌کارگیری این روش می‌توان امیدوار بود علوم انسانی - اسلامی به تدریج شکل بگیرد و تکامل یابد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، حسین؛ جهانی مقدم، محمدرکیم ۱۳۷۹. «بررسی اثر ماه رمضان بر مراجعین صرعی». خلاصه مقالات همایش تحقیقات علوم پزشکی در اسلام. سوم تا پنجم آبان. کرمان.
۳. احسانی، محمد بن علی. ۱۴۰۵ ق. عوالی اللتالی العزیزیه. جلد ۱. قم: دار سیدالشهدا للنشر.
۴. آخوند خراسانی، ملا محمداکظم. ۱۴۰۹ ق. کفایة الأصول. تهران: مؤسسه آل‌البیت.
۵. بدری، تحسین. ۱۴۲۸ ق. معجم مفردات أصول الفقه المقارن. چاپ اول. تهران: المشرق للثقافة و النشر.
۶. بلاگ، مارک. ۱۳۸۰. روش شناسی علم اقتصاد. ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی). چاپ اول. تهران: نشر نی.
۷. بهمن پوری، عبدالله؛ نظری، نجمه. ۱۳۹۷. «تحلیل فقهی پزشکی علل حرمت شرب خمر». فقه پزشکی. دوره دهم. شماره ۳۴ و ۳۵. صص ۶۳-۴۷.
۸. جوادی، محسن. ۱۳۷۵. مسئله باید و هست (بحثی در رابطه با ارزش و واقع). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۴. «علوم انسانی، چستی ساحت‌ها و فرایندهای تحول در آن». تحقیقات بنیادین علوم انسانی. سال اول. شماره ۱. صص ۳۳-۷.
۱۰. خطیبی، مهدی. ۱۳۹۶. «روش‌شناسی استنباط حکم شرعی». عیار پژوهش در علوم انسانی. شماره ۱ (پیاپی ۱۵). صص ۲۲-۵.
۱۱. خطیبی، مهدی. ۱۳۹۹. «واژه‌شناسی تعبد در ابواب معاملات». معرفت. سال بیست‌ونهم. شماره ۲۷۲. صص ۴۸-۳۵.
۱۲. خمینی، روح‌الله. ۱۴۲۲ ق. استفتائات. جلد ۲. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. _____ . بی تا، الف. تحریر الوسيلة. چاپ اول. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۴. _____ . بی تا، ب. کتاب البيع. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. خویی، ابوالقاسم. ۱۴۱۸ ق. التنقیح فی شرح العروة الوثقی (الاجتهاد و التقليد). چاپ اول. قم: بی تا.
۱۶. دادگر، یدالله. ۱۳۸۴. درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد. چاپ اول. تهران: نشر نی.

۱۷. رازی، قطب‌الدین. ۱۳۸۴. تحریر القواعد المنطقية في شرح الرسالة الشمسية. چاپ دوم. قم: انتشارات بیدار.
۱۸. راوندی، قطب‌الدین. ۱۴۰۷ ق. الدعوات. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).
۱۹. رحمانی، تیمور. ۱۳۹۱. اقتصاد کلان. جلد ۲. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات برادران.
۲۰. شبیری زنجانی، سید موسی. ۱۴۱۹ ق. کتاب نکاح. چاپ اول. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۲۱. صدر، سید محمدباقر. ۱۴۲۱ ق، الف. الاسلام يقود الحياة (موسوعة الشهيد الصدر ج ۵). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۲۲. _____ . ۱۴۲۱ ق، ب. المدرسة القرآنية (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱۹). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۲۳. _____ . ۱۴۲۴ ق. اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۲۴. _____ . ۱۹۹۶. بحوث في علم الأصول. تقرير السيد محمود الهاشمي. جلد ۳. چاپ سوم. قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامي.
۲۵. صدر، فخرالدین؛ افشار، محمد؛ سربلوکی، شکوه. ۱۳۸۰. «تأثير روزه‌داری بر قند، لیپید، وزن و فشارخون بیماران دیابتی تیپ ۲». عدد درون‌ریز و متابولیسم ایران. دوره سوم. صص ۱۸-۱۸.
۲۶. صدرالمتألهین شیرازی، محمد. ۱۳۶۲. شرح اللمعات المشرقية في الفنون المنطقية (منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقية في الفنون المنطقية). تهران: آگاه.
۲۷. صدوق، محمد بن علی. ۱۴۱۳ ق. من لا يحضره الفقيه. جلد ۳. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ ق. المیزان في تفسير القرآن. جلد ۱. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۸۷ ق. المبسوط في فقه الإمامیه. جلد ۲. چاپ سوم. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۰. غفوری، خالد. ۱۴۲۱ ق. «فقه النظرية لدى الشهيد الصدر». فقه أهل البيت. دوره بیستم. صص ۲۰۴-۱۲۳.
۳۱. خدادادی، غلام‌حسین. بی‌تا. احکام پزشکان و بیماران. مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر فاضل لنکرانی. نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت ۲.

۳۲. فاضل لنکرانی، محمد. بی تا. جامع المسائل. چاپ یازدهم، قم: انتشارات امیر قلم.
۳۳. تسخیری. محمدعلی. ۱۳۸۲. «شیوه شهید صدر در شناخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان». اقتصاد اسلامی. دوره سوم. شماره ۱۰. صص ۲۲-۹.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۷. «رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی». مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه و بومی و اسلامی کردن علوم انسانی. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. _____ . ۱۳۷۳. ترجمه و شرح برهان شفاء. تهران: امیرکبیر.
۳۶. مظفر، محمدرضا. ۱۳۷۵. أصول الفقه. جلد ۱. چاپ پنجم. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۷. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. ۱۳۸۵ ق. دعائم الاسلام. جلد ۱. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. جلد ۲. چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. مکلاپ، فریتز. ۱۳۸۱. «اقتصاد اثباتی و دستوری». نامه مفید. ترجمه یدالله دادگر و محمدتقی نظریور. شماره ۳۱. صص ۱۸۴-۱۵۱.
۴۰. قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. ۱۴۱۳ ق. جامع الشتات فی أجوبة السؤالات. چاپ اول. تهران: مؤسسه کیهان.
۴۱. نجفی، محمدحسن. بی تا. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد ۳ چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. نجفی، عباس بن علی. بی تا. المعاملات المصرفیه. نرم افزار جامع فقه اهل البيت ۲. بی جا: مؤسسه کاشف الغطاء.
۴۳. یوسفی، احمدعلی. ۱۳۷۹. ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی (مصاحبه). چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۴. _____ . ۱۳۸۴. «تفسیر نظریه شهید صدر در باب کشف مذهب اقتصادی مطابق با مبانی فقه شیعه». فقه و حقوق. دوره دوم. شماره ۵. صص ۱۰۶-۸۷.